

# سیاستگذاری امنیتی ایران در سه برهه

- گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران
- سیدحسین ولیپور زرومی
- پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۱۳۸۳، ۶۰۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰ تومان



● قدیر نصری

استادیار پژوهشکده مطالعات راهبردی

۳۸

شماره‌های ۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸  
مرداد، شهریور، مهر  
۱۳۸۵

علم اجتماعی

۱. استقرار و حاکمیت اسلام و شئون اسلامی در سیاست داخلی و خارجی  
۲. تقالید سیاستگذاران برای اثبات قابلیت اسلام در پاسخ به مسائل جدید  
۳. حفظ استقلال نظام جمهوری اسلامی از طریق انقباض سیاسی در مراحل و انبساط سیاسی در جهان اسلام  
منابع مورد استفاده انقلابیون برای پیگیری اهداف فوق، نه ائتلاف با قدرتهای بزرگ وقت بود و نه همسایگان و متحدان منتطقه‌ای. به گفته نویسنده (ص ۱۰۱) انقلابیون بیش و پیش از هر چیز روی مردم انقلابی، قابلیت مذهب تشیع و نبوغ و صداقت روحانیت در ساماندهی به سیاست داخلی و خارجی حساب باز کرده بودند و اعتقاد داشتند تا زمانی که مردم در صحنه باشند و به فرموده‌های رهبر فرهمندشان گوش بسپارند، هیچ آسیبی به مملکت نخواهد رسید. با توضیح این سه عنصر (قابلیت فکر شیعی، پشتنازی روحانیت و حرکت‌های مردمی به جای تدابیر نهادی) دومین فصل کتاب به سر می‌رسد و نویسنده با تمرکز بر چهره نرم‌افزاری قدرت، منابع قدرت در گفتمان بسط

بررسی روند سیاستگذاری در حوزه امنیت ملی، هر چند بحثی جذاب و روشن‌نگر است، اما در ایران، معمولاً کمتر کسی به پیگیری تحولات و مستندساختن آنها می‌پردازد. غالب متونی که در خصوص تحولات سیاسی - امنیتی ایران پس از انقلاب تولید شده‌اند، در خارج از ایران منتشر شده‌اند. در این چارچوب، کتاب گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، اثر تحقیقی سیدحسین ولیپور، شایان توجه است. این کتاب پرمحتوا، مستند و مفصل، جمیع متون و مدارک مرتبط با تحولات و سیاستگذاری امنیتی در ایران ربع قرن اخیر را بررسی و نتایج درخور تأملی به دست داده است. آنچه در پی می‌آید توضیح یافته‌های این کتاب و بررسی نقاط ضعف و قوت روش و یافته‌های نویسنده کتاب است.

## مضمون کتاب

گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران در سه بخش کلی و دوازده فصل تفصیلی سازمان یافته و در انتها با یک نتیجه‌گیری مفصل به پایان رسیده است. همه این بخشها و فصول که حدود ۶۰۰ صفحه حجم دارد، می‌خواهد جهت‌گیری غالب در سیاستگذاری امنیتی ایران طی ۲۵ سال اول انقلاب را تشریح کند. به عقیده نویسنده کتاب، سه برش تاریخی و موضوعی برای سیاستگذاری در باب امنیت ملی ایران به قرار زیر قابل تفکیک و توضیح است:

- ۱) گفتمان بسط محور
- ۲) گفتمان حفظ محور
- ۳) گفتمان رشد محور

بنابراین، بخش اول کتاب (شامل چهار فصل) به بررسی ملاحظات امنیت ملی در گفتمان بسط محور اختصاص دارد. در ذیل اولین فصل از این بخش نویسنده تصریح می‌کند که اصول و اهداف امنیت ملی در گفتمان بسط محور به قرار زیر بودند؟

متأسفانه نویسنده اطلاعات وسیع و دقیق خود را در قالب تئوریک بیان نکرده و انبوهی از اطلاعات اعم از آمار و ارقام، نقل قول و بیان وقایع را به شکل مصداقی تشریح کرده، امری که سبب شده کتاب بیش از حد متداول حجیم شود و خواننده در یافتن پاسخ به پرسش خود در دریایی از اطلاعات حاشیه‌ای، غور کند

## امریکا، کشورهای عربی و اسرائیل سه منبع اصلی تهدید علیه انقلاب در دوران بسط محوری به شمار می‌آیند و سیاستهای نظام در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و امنیتی برای شناسایی و خنثی‌سازی این تهدیدها سوق داده می‌شود

اندیشه جهاد، رهبری کارزماتیک امام خمینی (ره)، وحدت ملی به روحیه ارزشی و انقلابی، جمعیت قابل توجه و بسیج‌پذیر، عمق استراتژیک و توانمندی نظامی، مهم‌ترین عناصر قدرت ایران در دوران جنگ به شمار می‌آیند و نظام با تکیه بر آنها موفق شد ضمن دفع تجاوز، مناطق مهمی از عراق را تصرف و قابلیت چانه‌زنی خود را ارتقا بخشد

۳. در حوزه اقتصادی، سیاست امنیت ملی بدین‌قرار بود:

- دولتی کردن اقتصاد و مصادره اموال

- تمرکز بر توسعه روستاها و مناطق محروم از طریق نهادهای انقلابی

- استفاده از نفت به عنوان ابزار سیاسی

به عقیده نویسنده کتاب وجه چهارم سیاستگذاری امنیتی، بخش دفاع و امور نظامی بود که در این بخش نیز انقلابیون سعی کردند با تأسیس نهادهای تأمین‌کننده جدیدی چون بسیج، سپاه پاسداران و کمیته انقلاب اسلامی ساختار نیروهای نظامی - امنیتی را متحول و ارتش شاهنشاهی را پس از تسویه‌های گسترده به نیرویی مکتبی و تیمه مستقل مبدل کنند.

این جهت‌گیریهای داخلی با سیاستگذاری خاصی در خارج از کشور همراه شده بود که عبارت بود از سیاست نه شرقی نه غربی و صدور انقلاب اسلامی به مناطق مستعد و امید بستن به ظهور و پیروزی نهضت جهانی اسلام.

بخش دوم کتاب تحت عنوان «ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در گفتمان حفظ محور»، سیاستگذاری امنیتی ایران در زمان جنگ تحمیلی را بررسی و بحث کرده است. این بخش نیز مانند بخش قبلی چهار فصل مرتب دارد که از نظر کمی و کیفی هم وزن مطالب بخش اول است. نقطه عطف و خط قارق این بخش، شروع جنگ تحمیلی و ویرانگر علیه انقلاب نوپای اسلامی است که همه متداول مدال را متحول کرد و توجه انقلابیون را از ورای مرزها به ام القری معطوف کرد. نویسنده کتاب برای ورود به گفتمان حفظ محور ابتدا اصول و اهداف امنیتی ایران در این مقطع از انقلاب را برشمرد و عواملی چون حفظ تمامیت ارضی، حفظ اسلام و نظام اسلامی و صیانت از هویت ایرانی را به عنوان اهداف امنیت ملی ایران در دوران جنگ قلمداد می‌کند. البته نویسنده در صفحه ۲۵۹ کتاب «دستیابی به اطمینان خاطر و آرامش ملی» را نیز به عنوان یک اصل یا هدف معرفی کرده و سنخیت چندانی با اصول سه‌گانه پیشین ندارد و مقصود نویسنده از آن اصطلاحات واقعاً مبهم است. نویسنده در فصل ششم کتاب مؤلفه‌های قدرت ایران در دوران جنگ را برشمرد و تصریح می‌کند که «اندیشه جهاد، رهبری کارزماتیک امام خمینی (ره)، وحدت ملی به روحیه ارزشی و انقلابی، جمعیت قابل توجه و بسیج‌پذیر، عمق استراتژیک و توانمندی نظامی» مهم‌ترین عناصر قدرت ایران در دوران جنگ به شمار می‌آیند و نظام با تکیه بر آنها موفق شد ضمن دفع تجاوز، مناطق مهمی از عراق را تصرف و قابلیت چانه‌زنی خود را ارتقا بخشد.

محور را تشریح می‌کند.

«تهدیدها و آسیب‌پذیریهای امنیت ملی در گفتمان بسط محور» عنوان فصل سوم کتاب است که به طرز ماهرانه‌ای به تبیین کانونهای آسیب‌پذیر و سمت و سوی تهدید علیه امنیت ملی ایران طی چهار سال اول انقلاب اختصاص یافته است.

مرور این آسیب‌پذیریها و مقایسه آنها با آسیب‌پذیریهای ۲۵ سال بعد نشان می‌دهد که انقلابیون چقدر مسائل پیچیده را ساده می‌کردند و به حل زود هنگام مسائل بفرنج امیدوار بودند. به عقیده نویسنده در انقلاب نوپا، به واسطه بی‌تجربگی انقلابیون و تنوع و اختلاف فکری در میان انقلابیون (ص ۱۲۶) اجماع و اشتراک نظر از نظام تصمیم‌گیری رخت بر بسته بود و اگر فصل الخطابهای امام خمینی (ره) به عنوان رهبری نافذ و کاربزم نبود، هرج و مرج، کشور را درمی‌نوردید.

نویسنده در ادامه همین فصل خاطر نشان می‌سازد که انقلابیون مواردی چون ترویج ابتدالی فرهنگی - اخلاقی، وابستگی فکری، بحرانهای قومی و اقتصادی را با عنوان آسیب‌پذیری قلمداد کرده و به صورت ضربتی به حل و فصل آنها همت گماشتند.

ولیپور بدون آنکه حدود معنایی تهدید و آسیب‌پذیری را توضیح دهد، بلافاصله به تشریح منابع تهدید علیه امنیت ملی ایران در اولین سالهای انقلاب اسلامی پرداخته و ادعان می‌دارد که امریکا، کشورهای عربی و اسرائیل سه منبع اصلی تهدید علیه انقلاب در دوران بسط محوری به شمار می‌آیند و سیاستهای نظام در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و امنیتی برای شناسایی و خنثی‌سازی این تهدیدها سوق داده می‌شود. اگر نویسنده در این محبت به ذکر ارکان نظری خطر (آسیب‌پذیری داخلی به اضافه تهدیدات خارجی) می‌پرداخت و شدت تهدید هر یک از کانونهای سه‌گانه را تشریح می‌کرد، بحث روشن‌تری ارائه می‌کرد. متأسفانه نویسنده اطلاعات وسیع و دقیق خود را در قالب تئوریک بیان نکرده و انبوهی از اطلاعات اعم از آمار و ارقام، نقل قول و بیان وقایع را به شکل مصداقی تشریح کرده، امری که سبب شده کتاب بیش از حد متداول حجیم شود و خواننده دریافتن پاسخ به پرسش خود در دریایی از اطلاعات حاشیه‌ای، غور کند.

وایسین فصل بخش اول به «سیاستهای امنیت ملی در گفتمان بسط محور» اختصاص دارد. نویسنده سیاستهای امنیت ملی ایران در قالب گفتمان بسط محور به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرده و توضیح می‌دهد که انقلابیون در سطح داخلی نسبت به اجرای سیاستهای زیر همت گماشتند.

۱. در حوزه سیاسی انقلابیون کوشیدند تا:

- مخالفان خود را از نهادهای سازمانهای اصلی کشور طرد کنند.

- مناصب حساس را به روحانیت یا افراد مورد وثوق آنها واگذار کنند.

- نهادهای جدید و انقلابی را تأسیس و افراد انقلابی را وارد آن نهاد

کنند

- مواضع انقلابیون را تثبیت و با طرح تعهدگرایی، نبض اداری - اجرایی کشور را در دست بگیرند.

۲. در حوزه فرهنگی انقلابیون کوشیدند تا:

- فرهنگ اسلامی را در محیطهای اداری و اماکن عمومی ترویج و الزام‌آور سازند.

- بخشهای فرهنگی - هنری و سیاسی را عقیدتی سازند.

- اسلام را با انقلاب قرین ساخته و فرهنگ انقلاب اسلامی را ترویج

دهند.

## با حمله عراق به کویت و سپس حمله نیروهای سازمان ملل به رهبری امریکا علیه عراق، ایران بزرگترین و عملگراترین رقبای خود را در جنگ و کشاکش دید

نویسنده کتاب، این متن را در گوشه دانشگاه و به دور از کانونهای مؤثر نظامی، سیاسی و امنیتی نوشته و این مسئله اثر را از اعتدال لازم بهره‌مند کرده که در جای خود قابل تحسین است

حذف شد، مجمع تشخیص مصلحت نظام به فرمان امام خمینی (ره) تأسیس و در شیوه پیشبری سیاستهای کلان کشور تغییرات محسوس خودنمایی کرد که از جمله آنها می‌توان به چرخش اقتصاد ایران به سمت بازار آزاد و تمایل دولت به تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز اشاره کرد.

در چنین فضایی بود که مؤلفه‌های قدرت در نگرش نخبگان حاکم تا حدودی تغییر پذیرفت و به جای عواملی مانند عمق استراتژیک یا تعداد جمعیت قابل بسیج، روی عایدات نفتی، شراکت با قدرتهای قوی، جغرافیای سیاسی و موقعیت ممتاز فرهنگی، نیروی کار جوان، ماهر و پرتعداد و بالاخره بر هویت ملی - دینی - مذهبی تأکید شد.

در این دوره، تهدیدات و آسیب‌پذیریهای ایران نیز رنگ عوض کردند یا حداقل نخبگان سیاسی حاکم، عوامل جدیدی را آسیب یا تهدید نامیدند. نخبگان دوران سازندگی، ضعفها یا آسیب‌پذیریهای ایران در حوزه‌های مختلف را به شرح زیر برشمردند:

۱. در حوزه سیاسی:

- منازعات جناحی و رقابت منفی بین کانونهای قدرت

- اخلاق و تزلزل در مشروعیت سیاسی نظام

۲. در حوزه اقتصادی

- اقتصاد تک محصولی و نوسان قیمت جهانی نفت

- تعمیق فساد و گسترش فقر و تبعیض

۳. در حوزه اجتماعی - فرهنگی:

- گسیختگی اجتماعی و افزایش ناهنجاری

- اختلال در مبانی هویت ایرانی

- تردید در مرجعیت گروههای حاکم

نویسنده کتاب بدون اشاره به آسیب‌پذیریهای نظامی - امنیتی ایران در عرصه داخلی، بلافاصله کانونهای تهدید بیرونی را برمی‌شمارد. وی بدون اینکه رهیافت پژوهشی خود را نشان دهد به ارائه مجموعه‌ای از تهدیدات می‌پردازد.

بهتر بود نگارنده محترم مشخص می‌کردند که از چه منظری این عوامل را تهدید می‌بیند. مسلماً وقتی از منظر رئالیستی به موضوع تهدید نگاه کنیم باید همه توجه خود را به تحرکات کشورهای رقیب معطوف کنیم ولی اگر از منظر یک لیبرال به قضیه بنگریم بخش اعظم توجه‌مان معطوف به عوامل فرهنگی - اجتماعی درونی می‌شود. به هر حال از نگاه نویسنده کتاب تهدیدات و آسیب‌پذیریهای ایران در دوران موسوم به سازندگی یا گفتمان رشد محور بدین منوال بود.

- وقوع بحرانها و ناامنیهای گسترده در منطقه خاورمیانه و به‌خصوص خلیج فارس

- تشدید سیاستهای ضد ایرانی از سوی امریکا و اسرائیل در منطقه و جهان (تحریریک - تحریم)

- پدیداری روندهای جدید و جهانشمول از قبیل دمکراتیزاسیون - جهانی شدن - حقوق شهروندی و حقوق اقلیتها  
دولت سازندگی با توجه به ضرورتهای اقتصادی و فرهنگی و در مقابل

با آغاز جنگ تحمیلی، شکل آسیب‌پذیریها و نوع و میزان آنها نیز متحول می‌شود و تهدید از حالت فرضی خود خارج شده و عینیت می‌یابد. این مهم را نویسنده کتاب در هفتمین فصل کتاب به تفصیل توضیح داده است. به عقیده وی تهدیدات و آسیب‌پذیریهای ایران در دوران جنگ (حفظ محور) ناشی از عوامل زیر بود.

- اقتصاد آسیب‌پذیر، تک محصولی و مصرف‌گرا

- برتری نظامی و دیپلماتیک و بین‌المللی عراق بر ایران

- گستردگی میدان نبرد و شدت خطر در جبهه‌های مختلف

- اختلاف بین نیروهای نظامی (ارتش - سپاه)

- روبرویی نظام بین‌المللی با انقلاب اسلامی ایران

- وسعت بالای جنگ روانی عراق در منطقه

با وجود موارد فوق، انقلابیون ارج انقلاب را پاس داشته و عزم خود را برای دفاع از وطن و اسلام و نیز صیانت از ارزشهای انقلاب، جزم کردند. سیاستهای امنیت ملی که در گفتمان حفظ محور مورد توجه و عمل واقع شد بدین قرار بود:

- تلقی جنگ به عنوان امر واجب و قرار دادن آن در رأس امور (ص ۳۴۲)  
- بهره‌گیری از قابلیت‌های انقلابی و ایدئولوژیک برای بسیج نیرو و تحمل تبعات جنگ (ص ۳۴۹)

- ساماندهی نیروهای انقلابی و ترویج سبک مدیریت انقلابی و مکتبی در خط و پشت جبهه

- پیوند زدن جنگ به انقلاب و انقلاب به اسلام

- فراگیر و مردمی ساختن جنگ از طریق نیروی مقاومت بسیج

- تفسیر دینی، مذهبی و ایدئولوژیک جنگ تحمیلی

نتیجه‌گیری نویسنده در بخش دوم (شامل فصول پنجم تا نهم) این است که به واسطه جنگ تحمیلی، بنیاد و جهت سیاستگذاری امنیتی متحول شد و دفاع از کیان اسلامی و میهن، تحرکات و فعالیتهای فراملی را تحت الشعاع قرار داد.

سومین و آخرین بخش کتاب به «ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی در گفتمان رشد محور» اختصاص دارد. این بخش نیز چهار فصل ممتاز دارد که یکی از آنها (فصل نهم کتاب) اصول و اهداف امنیت ملی در گفتمان رشد محور را در سه عامل زیر خلاصه می‌کند:

- ترمیم خرابیهای مادی و تبعات روانی ناشی از جنگ

- سازندگی زیرساختهای رشد و توسعه ملی از قبیل سدها، کارخانجات، فرودگاهها، بندار و مناطق تجاری

- ارتقای آگاهی فرهنگی و آزادی سیاسی شهروندان و گردهمای مختلف سیاسی، اجتماعی.

این سیاستها در شرایطی مورد توجه واقع می‌شد که ایران با پذیرش قطعه‌نامه ۹۸، آتش بس را پذیرفت و با رحلت امام خمینی (ره) و بازنگری در قانون اساسی - تحولاتی در حدود و اختیارات نهادهای مهمی چون ریاست جمهوری پدیدار شد. پس از قرنهای متمادی، منصب نخست وزیر در ایران

## به واسطه جنگ تحمیلی، بنیاد و برنامه سیاستگذاری امنیتی متحول شد و دفاع از کيان

### اسلامی و میهن، تحرکات و فعالیتهای فراملی را تحت الشعاع قرار داد

### از آنجا که گفتمان به معنای فنی آن، نوعی ابراز غیرارادی و بافتاری (Contextual)

### خود است نمی توان در آن از سیاستگذاری آگاهانه و پیش‌بینی‌پذیر سخن گفت

در کنار این امتیازات، برخی ملاحظات انتقادی بلااثر مذکور قابل طرح است که اگر نویسنده روش تحقیق و استدلال خود را در ابتدای کتاب بیان می‌کرد، استحکام اثر بیشتر می‌شد. لازم بود نویسنده در مقدمه کتاب در کنار مرور ادبیات تحقیق و مفاهیم کلیدی، به روش پژوهش و شیوه تحلیل داده‌ها هم اشارتی می‌کرد. علاوه بر این، نویسنده توضیح نداده است که مقصود او از مفهوم «گفتمان» (Discourse)، نوعی جهت‌گیری در عرصه سیاستگذاری است نه تعامل زبانی و ارتباطی بین الادهانی که در ادبیات پست مدرن مطرح است. از آنجا که گفتمان به معنای فنی آن، نوعی ابراز غیرارادی و بافتاری (Contextual) خود است نمی‌توان در آن از سیاستگذاری آگاهانه و پیش‌بینی‌پذیر سخن گفت.

نکنه انتقادی دیگر به امکان مقطع‌بندی حرکت انقلاب اسلامی ایران مربوط است؛ بدین مضمون که آیا کارگزاران سه مقطع واقعا متفاوت از همدیگر بودند؟ بعضی چهره‌ها، نهادهای و سیاستها از ابتدای انقلاب تاکنون همچنان نقش محوری در جهت‌گیری‌های سیاسی و امنیتی کشور داشته‌اند. اینها را چگونه می‌توان در قالب سه مقطع واریسی کرد. البته نویسنده در واپسین صفحه کتاب (ص ۵۷۲) به مداومتی تصریح کرده که رشته پیوند گفتمانها بوده است. با این وجود بهتر بود در ابتدا و در متن کتاب بر این مداومت تأکید بیشتری می‌شد. به نظر می‌رسد اگر بین آرمانها و واقعیتهای تکیه می‌شد پاسخ غنی‌تری به دست می‌آمد؛ انقلابیون آرمانهایی داشتند (مانند نهضت جهانی اسلام) اما واقعیاتی (مانند وابستگی شدید به واردات گندم و سلاح) آن آرمانها را تعدیل می‌کرد.

چهارمین نکته انتقادی به عنوان‌بندی و تقسیم‌بندی فصول مربوط است که در بسیاری مواقع عناوینی که زیر یک تیتر آورده شده اند با همدیگر همخوانی لازم را ندارند. عباراتی مانند «مردم در صحنه» (ص ۱۱۱)، دستیابی به «اطمینان خاطر و آرامش ملی» (ص ۲۵۹) و مواردی از این قبیل، برای خواننده مفهوم نیستند و ارتباط اینها با سایر عناوین چندان مفهوم و مشخص نیست. در زمینه منابع مورد استناد محقق هم این ملاحظه قابل طرح است که بعضی از منابع استحکام و سندیت لازم را ندارند و حکم ارگان یک نهاد یا مؤسسه وابسته را دارند که هدفشان توجیه (نه شناسایی) سیاستهای مقبول نظام است. بهتر این بود که منابع قدری غربال می‌شدند تا این شائبه طرح نمی‌شد که نویسنده هر آنچه را که خواننده، در کتاب استفاده کرده است. واپسین نکته روش‌شناختی و شکلی به قلم نسبتاً ثقیل نویسنده مربوط است، شایسته‌تر این بود که ناشر محترم با ویراستاری دقیق‌تر متن، خوانش آن را برای مخاطب روان و سلیس می‌کرد.

همه این ملاحظات نمی‌تواند نافی دقت، صداقت و فکر منظم نویسنده باشد. این اثر برای شناخت فراز و فرود سیاستگذاری در ایران، منبعی بی‌نظیر است و مطالعه آن در چارچوب واحدهای دانشگاهی (مانند تحولات سیاسی ایران پس از انقلاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و سیاستگذاری امنیتی) بسیار مفید و آگاهی‌بخش است.

آسیب‌پذیریها و تهدیدات بالفعل و بالقوه، چاره‌کار را در ارتقای اقتصاد و تولید مازاد ملی دید تا ضمن رونق اقتصادی در داخل، قدرتهای مؤثر را در امور ایران درگیر کند. در این راستا بود که «سیاستهای امنیت ملی در گفتمان رشد» محور به ترتیب زیر شکل و قوام یافت:

- پیگیری سیاست رونق اقتصادی از طریق جذب سرمایه‌های خارجی، آزادسازی تجاری، مقررات زدایی و تعدیل.  
- اتخاذ سیاست توسعه روابط با قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و فاصله‌گیری از سیاست ستیزه‌جویانه  
- اعمال سیاست بازدارندگی دفاعی  
- اعتمادسازی در سطح منطقه و توجه جدی به سیاست تنش‌زدایی و شراکت استراتژیک

- اجتناب از سیاستهای تحریک‌آمیز و احترام به استقلال ملی و حاکمیت یکایک همسایگان

گفتنی است بخش اعظم دوران سازندگی در شرایطی سپری شد که عراق از حالت متخاصم و مهاجم به ایران به کشوری ضعیف و مستأصل تبدیل شده بود. در این دوران، بار دیگر حوادث بین‌المللی امنیت ملی ایران را متأثر ساخت و با حمله عراق به کویت و سپس حمله نیروهای سازمان ملل به رهبری آمریکا علیه عراق، ایران بزرگترین و عملگراترین رقبای خود را در جنگ و کشاکش دید. این فضا زمینه را برای تقویت بنیانهای دفاعی و اقتصادی ایران فراهم آورد و ایران در حد هوش‌نخبگان و مقتضیات منطقه‌ای از شرایط حاکم در سالهای جنگ تحمیلی فاصله گرفت.

فصل سیزدهم کتاب «گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» به خلاصه و نتیجه‌گیری اختصاص یافته و نویسنده ضمن مرور مباحث دوازده فصل گذشته، تصریح می‌دارد که ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ سه مقطع اساسی و قابل تفکیک از هم را پشت سر نهاده است و در مطالعه روند تحول سیاستگذاری امنیتی باید به ملاحظات خاص هر مقطع توجه داشت.

#### نقد روش و محتوای کتاب

کتاب ارزشمند گفتمانهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران حاصل هفت سال (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲) تلاش محققانه مؤلف بوده و از نظر ملاحظه منابع و مدارک مرتبط واقعا بی‌نظیر است. ملاحظه و مطالعه حدود ۲۵۰ سند علمی به همراه اشتغال نویسنده در مراکز مهم مطالعاتی، اثر او را زینت آکادمیک بخشیده است، ضمن اینکه، کتاب از ظرافتهای اجرایی هم برخوردار بوده است، یعنی نویسنده کتاب، این متن را در گوشه دانشگاه و به دور از کانونهای مؤثر نظامی، سیاسی و امنیتی نوشته و این مسئله اثر را از اعتدال لازم بهره‌مند کرده که درجای خود قابل تحسین است. این نکته را هم نباید فراموش کرد که این کتاب زمانی به چاپ سپرده شد که به تحقیق هیچ منبعی در خصوص فراز و فرودهای سیاست خارجی و جهت‌گیریهای امنیتی ایران طی ربع قرن اول انقلاب منتشر نشده بود.